

طبقه علاف پیه روی آنها کشیده در محراب میکندارند و از هر يك از اعضاء قربانی قطعه کوچکی روی ران ها قرار داده آتش میزنند . همین که مشعل شد خرده خرده شراب بشعله هامیریزند تا اینکه باهم سوخته شوند این کار که انجام گرفت اجزاء و سقی ذبح را بریان نموده کاهتین آن را میان حضار تقسیم میکنند آنکاه بصرف طعام مشغول و شرابیکه با آب مخلوط نموده اند . میامانند و مراسم قرآنی باسرود و آواز خاتمه می یابد

نقال و تطهیر - از مشیت خدایان ظهور بعضی علامات خیر میدهند . دعد و برق و ظهور قوس قرص علامت غضب و پرواز کرکس غالباً نشانه رحمت خدایانست وضع روده حیوانات قربانی شده ، بزرگی جگر و قلب و رفتن اجزای آنها تقدیرات را بکاهنان میفهماند . گاهی ژوپتر و قایق را در خواب بتسمان الهام میکنند

کاهن هاینمی کشیشهاغیب کوئی میتوانند کرد زیرا مستقیماً از خدایان کسب اطلاع میکنند و از اراده آنها و حوادث آتیه خبر میدهند ، این اشخاص در میان قوم مقام بزرگی دارند تفسیر خواب ها بفرده آنان میباشد در جنگ یکی از سرداران در مسافرت های دریائی غالباً راهنمای سلطان هستند

پشت و دوزخ - مقر دوح سینه و مقر عواطف قلب است ، هنگام مردن ، بروح از میان دندانهای محض

بیرون میدهد و نازمانیکه جسد دفن شده سرگردانست و لوی در این ضمن میتواند بدوستان و خویشان خود در خواب با بیداری ظاهر و مخیبات را بان ها اطلاع دهد

ملک الموت ارواح را در کشتی خود حمل میکند و بهر زمین که وادی ظلماتست میرسد . تمام ارواح ناچارند از زودی که در آن وادی است عبور کنند هر کدام که نیکو کار باشد به بهشت و هر کدام که گناه کار است بدوزخ برود

به چیز اعث میشود که انسان مرتکب گناه میگردد نادانی ، حماقت ، کفر ، نزول بلاهی بزرگ بواسطه اینست که بندگان در معاصی غوطه ور میشوند در این موقع ژوپتر آنها را ببلایهای بزرگی گرفتار میکند مثلا تمام حیوانات و گاهی تمام قوم را بیمار مینماید یا طوفانی ایجاد میکند که هر چه ذیروح است شرق شوند

بیت و مراسم دفن - انسان در حال احتضار جسمش سبک میشود و از مهمات خبر میدهد و با ترکیب در ساعت مرگ خود به هکتر گفت دبری نخواهد گذشت که بدست آشیل کشته شوی .

وقتیکه جنازه احترام داشته باشد او را با اسلحه اش میسوزانند و چنانچه بسیار محترم است خاکسترش را دفن میکنند و روی آن طریحی بنامینمایند و هر گاه یکی از مردمان بزرگ عصر خویش باشد اطراف طریح درخت

غرس میکنند. اگر شخصی در غربت بمیرد
استخوانهایش را جمع کرده بوطنش ببرند برای میت
قبری که نشانه او را داشته باشد لازم است. اگر پنهانی
مؤمن و منقی باشد بطوری که خدایان او را دوست بدانند
جنازه اش را از فساد و پوسیدگی حفظ میکنند. جنازه
پتزرکل و عکبر را خدایان از عفونت حفظ نمودند یکی از
ندابیری که خدایان برای حفظ جنازه مینمایند اینست که
« امروس » و « نکتو » را که عنبر و سسبیل است در
بینی جنازه میریزند این ماده ضد عفونی است و « کول و مشروب
خدایان میباشد.

یکی از پهلوانان بزرگ که در جنگ کشته شود
مراسم سوگواری او فصل است تمام اهالی مملکت چندین
روز مشغول سوگواری میشوند. ریش خوناها در میان
قوم و قبیله او حرکت نموده و مردم بگرد آنها جمع گردیدند
شیون مینمایند، اثار و دوستان آن مقتول خاسته و کل
سر ریخته ضجه و ناله میکنند در موقع سوزانیدن جنازه اش
قرمائی های زیاد نموده و گاهی اسرای دشمن را در آن
مواقع سر میبرند مردم با احترام عزای او موی سر را می
چینند و روی جنازه میزنند برای ختم مراسم سوگواری
محترمترین اثار بیت و لیمه ای در خور استطاعت خویش میدهد.

فصل دوم

اوضاع جنگی

پهلوانان - محترم ترین طبقات پهلوانان هستند. هنگام

جنگ امیر لشکر و زمان صلح عضو شورای دولتی می باشند اشراف مملکت بافتخار آنان مهمانی می دهند ، بعضی پهلوانان و ملازمان آن ها اولاً از خنایم جنگ و بعد از عایدات مزارعی است که از طرف مات پیدایش جنگ هائی که با دشمنان مملکت نموده اند بعنوان تیول به آنها برکدار شده ، پهلوانان امتیازات مهمی دارند از جمله داشتن اسب و ارایه و اسلحه سنگین وزن و پر قیمت است راننده ارایه آن ها همیشه یکی از رجال محترم است که از پهلوانان درجه دوم نیز محسوب می شود و با آنها تعلق می باشد . زیرا در جنگ قسمت بزرگ دواغ - هائی که پهلوان باید در موقع روبرو شدن با حریف بعمل آورد بعهده راننده ارایه او است . پهلوانی که بر حریف غالب می شود و او را می کشد تمام اسلحه وی را بخرمت می برد و هر قدرمائی که اسلحه پهلوانان دشمن را بیشتر به خود دارد اقتضای زیاد تر است . گاهی پهلوانان بزرگ مانند ارباب انواع مورد ستایش واقع میشوند و پس از مردن ازواح آنان در جنگ هانعیان میکردند اسلحه آن ها به خودشان باید دفن شود و روی قبرشان ضریحی بنا میگردد . در خنایم جنگ می توانند مهم خود را بیش از سهم افراد قشون قرار دهند . در جشن ها و اسب دوانی ها و مسابقه های دیگر اعطای جوایز بعهده آن ها است . یکی از انصهرات پهلوان بزرگ اینست که

دو عزیزکان مدال خاتمی بگردن آسب او می بندند
 ارکان حرب - در مواقع مهمه که لازم است
 میزان سپاه معلوم گردد شورای قشونی تشکیل می شود
 و ریاست آن بعهده سپه سالار کلی قشونت است که او
 نیز بتصویب شورای قشونی اینرتبه را بدازا گردیده
 وقتی که قضیه مطرح گردید اول عقلاء و مجربین
 قوم که خود یکی از سران سپاه اند و بعضی شورای قشونانی
 هستند بر خاسته میآیند و محاسن قضیه را شرح داده اظهار
 عقیده میکنند ، بعد سایرین عقیده خود را بیان نموده نمی
 گویند عقیده ما این بود تا سپه سالار کلی قشون بجهت مصالحت
 داند . سپه سالار نیز بیان عقیده نموده قضیه را با تفاق با
 اکثریت خاتمه می دهند . در میان خیمه های سپاه مجلس
 ارکان حرب خیمه ای مخصوص بخود دارد و گاهی در
 خیمه سپه سالار یا خیمه بزرگ ترین پهلوانان سپاه تشکیل
 می شود

تعبیه العیش - زمانی که جنگی پیش آید هر مردی
 که بدن سالم داشته باشد باید در سپاه داخل شود و هرگاه
 نتواند حاضر شود باید يك سوار یا يك اسب بجای خود
 بفرستد ، هر کس داخل سپاه میشود اسلحه خود را که شمشیر
 و نیزه و تبر و کمان و تبر و گرز است همراه اوست باین
 معنی که هر کس يك نوع سلاح دارد وئی پهلوانان تمام
 انواع سلاحرا دارا هستند و در استعمال آنها آموخته اند